

## بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران

سعید سمائی‌رهنی<sup>۱</sup>، سیمین پورسازان<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی اثر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. به همین منظور تعداد ۸۷ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق برای سنجش محافظه‌کاری شرطی از دو معیار خان و واتس و احمد و دولمان و برای سنجش محافظه‌کاری غیرشرطی از معیار گیولی و هاین و احمد و دولمان استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و اظهار نظر حسابرس نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین محافظه‌کاری شرطی و تعدیل اظهار نظر حسابرس وجود ندارد. از طرفی بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی رابطه بین محافظه‌کاری غیرشرطی بر اساس مدل احمد و دولمان و اظهار نظر حسابرس، می‌توان گفت که بین محافظه‌کاری غیرشرطی و اظهار نظر حسابرس رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش محافظه‌کاری غیرشرطی احتمال ارائه اظهار نظر تعدیل‌شده کاهش می‌یابد.

**واژه‌های کلیدی:** محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری غیرشرطی، اظهار نظر حسابرس، رگرسیون لجستیک.

۱. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد
۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۶/۱۲

\*نویسنده مسئول: سیمین پورسازان

simin.poursasan@yahoo.com

## ۱. مقدمه

محافظه‌کاری که یکی از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است، در سال‌های اخیر مطالعات مالی، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. ادبیات تحقیق‌های مربوط به محافظه‌کاری، دو نوع محافظه‌کاری غیرشرطی و محافظه‌کاری شرطی را عنوان کرده‌اند (گولرایز، ۲۰۱۴). انگیزه هر دو نوع محافظه‌کاری، کسب کمتر منافع سرمایه‌گذاران از سود، در مقایسه با آسیب ناشی از زیان‌های با همان سطح اهمیت هستند (بیور و رایان، ۲۰۰۵).

در واقع محافظه‌کاری در حسابداری بیانگر نوعی جانب‌داری در شناسایی ارزش‌های دارایی‌ها است و این جانب‌داری رو به پایین در نتیجه شناخت ناکامل و یا ناپایدار ارزش اقتصادی در سودهای حسابداری است (راچ و تیلور، ۲۰۱۴). در ادبیات مالی، اغلب محققان محافظه‌کاری را یک نیاز اولیه و اساسی در قرارداد نانوشته بین سهامداران و مدیریت می‌دانند (چنگ و کانگ، ۲۰۱۶)؛ چرا که با شکل‌گیری روابط نمایندگی، تضاد منافع بین سهامداران و مدیران ایجاد گردیده و ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیماتی برخلاف منافع سهام‌داران اتخاذ کنند (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به این که گزارش و اظهار نظر حسابرس از اهمیت و جایگاه خاصی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان برخوردار است و معیاری برای انطباق گزارش‌های مالی با استانداردهای حسابداری است (التونیب و همکاران، ۲۰۰۸) و از طرفی محتوای گزارش‌های حسابرسی دارای بار اطلاعاتی است و استفاده‌کنندگان برای ارزیابی مطلوب بودن ارائه صورت‌های مالی از گزارش حسابرس استفاده می‌کنند (ودیعی و همکاران، ۱۳۹۵). در این میان محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند با به تأخیر انداختن شناسایی سود و به واسطه الزام قابلیت تأیید و اثبات خود در شناسایی سود و دارایی‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه و جانب‌دارانه مدیر را در بیش‌نمایی سود و دارایی‌ها محدود نماید؛ بنابراین؛ محافظه‌کاری به عنوان واکنش به عدم تقارن اطلاعاتی ایجادشده و اثرات منفی عدم تقارن اطلاعاتی بین بخش‌های مختلف را کاهش می‌دهد (گارسبیلارا و همکاران، ۲۰۱۱)، همچنین با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت افشا اطلاعات صورت‌های مالی، به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای جلوگیری از ایجاد تضاد منافع میان مدیران و سهامداران، سهامداران و اعتباردهندگان به کار آید (راچ و تیلور، ۲۰۱۴).

با توجه به تحقیقات انجام‌شده در حوزه محافظه‌کاری و بررسی اثر دوره تصدی حسابرس بر محافظه‌کاری، پس از اجرای قانون چرخش اجباری حساب‌رسان و نتایج به دست آمده مبنی بر کاهش محافظه‌کاری در زمان طولانی بودن دوره تصدی حسابرس (لائورا و همکاران، ۲۰۱۶) و مشاهده تأثیر احتمالی محافظه‌کاری و انواع آن بر اظهار نظر حسابرس با اعمال محدودیت بر برآوردهای بیش از واقع مدیریت در ارزش‌گذاری دارایی‌ها (دیفوند و همکاران، ۲۰۱۶) و جلوگیری

از محاسبات اغراق آمیز مدیریت (دیچو و همکاران، ۲۰۱۱)، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که آیا محافظه‌کاری شرطی و یا محافظه‌کاری غیرشرطی به عنوان یک مکانیسم محدودکننده، بر ارائه اظهار نظر حسابرسان در ایران نیز مؤثر باشد؟ لذا به نظر می‌رسد که بررسی ارتباط بین این دو مؤلفه گامی مفید در جهت تکمیل ادبیات مربوط به این موضوع باشد.

این پژوهش باهدف بررسی رابطه بین انواع محافظه‌کاری و نوع اظهار نظر حسابرسان انجام شده است و نتایج این تحقیق در درجه اول می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با عوامل مؤثر بر اظهار نظر حسابرسان و محافظه‌کاری باشد. دوم این که شواهد این پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه انواع محافظه‌کاری بر اظهار نظر حسابرسان تأثیرگذار خواهد بود و این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار مدیران، حسابرسان و همچنین استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسان قرار دهد. در ادامه، مبانی نظری، پیشینه تحقیق، روش‌شناسی و نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

## ۲. مبانی نظری

تاکنون تعریف دقیقی از محافظه‌کاری ارائه نشده است، برای مثال برخی از محققین، محافظه‌کاری را اقدامی می‌دانند که حسابدار باید از بین ارزش‌های ممکن، برای دارایی‌ها، کم‌ترین ارزش و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش را گزارش کند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). در تحقیقات اخیر محافظه‌کاری را به دو نوع تقسیم کرده‌اند. نوع اول، محافظه‌کاری مستقل از اخبار و محافظه‌کاری غیرشرطی نیز خوانده می‌شود که از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری می‌کاهند (بال و شیوا کومار، ۲۰۰۶). برای مثال شناسایی بدون درنگ مخارج تبلیغات، هزینه‌های تحقیق و توسعه به عنوان هزینه دوره از این نوع است. نوع دوم، محافظه‌کاری شرطی بیانگر این است که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در شرایط نامساعد کاهش می‌یابد، اما در شرایط مساعد افزایش نمی‌یابد و در شناسایی سریع‌تر زیان‌ها نسبت به شناسایی سودها نمود می‌یابد. این نوع محافظه‌کاری اخبار و اطلاعات موجود پس از ثبت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها را نیز در نظر می‌گیرد (راچ و تیلور، ۲۰۱۴). نمونه محافظه‌کاری شرطی قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار برای موجودی کالا و یا حذف سرقفلی در پی انجام آزمون کاهش ارزش است (پای و همکاران، ۲۰۰۵).

بر اساس تحقیقات گذشته دلایلی وجود دارد که بر تأثیر احتمالی محافظه‌کاری و انواع آن بر اظهار نظر حسابرسان دلالت دارد: اول این که محافظه‌کاری از دو طریق خطر ذاتی را کاهش می‌دهد. طریقه اول این که محافظه‌کاری مانع از برآوردهای بیش از واقع مدیریت در ارزش‌گذاری دارایی‌ها

می‌شود مانند اضافه ارزش‌گذاری موجودی‌ها و مطالبات (دیفوند و همکاران، ۲۰۱۶) که خود باعث کاهش ریسک ذاتی می‌شود. طریقه دوم این‌که اکثر تحریف‌های مالی از محاسبات اغراق‌آمیز درآمد و سود ناشی می‌شود و با نقش محدودکنندگی برای گزارشگری فرصت‌طلبانه از ارائه متعصبانه صورت‌های مالی جلوگیری کرده و شیوه‌های مدیریت سود را محدود می‌کند (گارسبلازا و همکاران، ۲۰۱۲) و توان حسابرس را برای جلوگیری از مدیریت سود افزایش می‌دهد (دیفوند و همکاران، ۲۰۱۶). محافظه‌کاری شرطی فرصت‌های مدیریت سود موفق را کاهش می‌دهد. در این صورت ممانعت از مدیریت سود و برآوردهای بیش‌ازحد باعث خواهد شد که حسابرسان یک سطح پایین‌تر از ریسک ذاتی در میان مشتریان محافظه‌کار را درک کنند (گوآی و ورسچپای، ۲۰۰۷). علاوه بر این رعایت محافظه‌کاری و عدم مدیریت سود می‌تواند حسابرس را برای اظهار نظر تعدیل نشده ترغیب نماید چراکه اگر حسابرس برای صاحب کار با محافظه‌کاری پایین اظهار نظر تعدیل نشده ارائه کند بیشتر در معرض خطر ارائه اظهار نظر نامناسب می‌باشد (دیفوند و همکاران، ۲۰۱۶). دلیل دوم این است که مدیران همواره انگیزه دارند که اطلاعات و اخبار منفی را از سرمایه‌گذاران پنهان کرده و آن‌ها را در داخل شرکت انباشت کنند (فروغی و میرزایی، ۱۳۹۱). در واقع با عدم رعایت محافظه‌کاری شرطی، اخبار بد در داخل شرکت انباشته می‌شود تا جایی که نگهداری و عدم افشای آن برای مدت‌زمان طولانی‌تر غیرممکن و پرهزینه خواهد بود، در نتیجه پس از رسیدن به نقطه اوج خود به یک‌باره وارد بازار شده و باعث افت شدید بازده و قیمت سهام خواهد شد (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹) اما اقدامات محافظه‌کارانه گرایش مدیریت به خودداری از انتشار به‌موقع اخبار بد را کاهش داده و مانع از انباشت اطلاعات منفی در شرکت می‌گردد (کیم و ژانگ، ۲۰۱۴)؛ بنابراین اقدامات محافظه‌کارانه به دلیل ممانعت از انباشت اخبار بد ممکن است بر اظهار نظر حسابرس مؤثر باشد. سوم این‌که وقتی درآمدها و دارایی‌ها کمتر از واقع ارائه شده باشند، سهام‌داران کمتر از حسابرسان شکایت می‌کنند نسبت به زمانی که درآمدها و دارایی‌ها به شکل اغراق‌آمیزی بیشتر از واقع در صورت‌های مالی ارائه شده باشند (بیور، ۱۹۹۳) بنابراین محافظه‌کاری هزینه‌های بالقوه دادخواهی علیه حسابرس را کاهش می‌دهد؛ چراکه شکایت از حسابرسان در درجه اول به خاطر برآوردهای بیش از واقع است (کارسلو و پالمروس، ۱۹۹۴). علاوه بر این انباشت و افشای یک‌باره اخبار بد و تأثیر آن بر قیمت سهام، ریسک دادخواهی علیه حسابرس را افزایش داده و می‌تواند عامل مؤثری بر ارائه اظهار نظر تعدیل نشده حسابرس باشد چراکه، یک استراتژی برای کاهش ریسک اظهار نظر نامناسب و ریسک دادخواهی علیه حسابرسان، ارائه اظهار نظر تعدیل شده است (کاپلان و ویلیامز، ۲۰۱۳). دلیل آخر این‌که در شرکت‌های محافظه‌کار خطر ورشکستگی کاهش یافته (گائو، ۲۰۱۳) و از آنجا که محافظه‌کاری به صورت سیستماتیک گرایش مدیریت را در جهت

تحریف سود محدود می‌کند، ریسک از دست رفتن شهرت حسابرسان نیز کاهش می‌یابد (لافوند و واتس، ۲۰۰۸) و احتمالاً اظهار نظر حسابرسان را متأثر می‌سازد.

### ۳. پیشینه پژوهش

لائورا و همکاران (۲۰۱۶) اثر دوره تصدی حسابرسان بر محافظه‌کاری را در شرکت‌های یونانی، پس از اجرای قانون چرخش اجباری حسابرسان بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد محافظه‌کاری کاهش می‌یابد زمانی که دوره تصدی حسابرسان افزایش یابد. در واقع آن‌ها بین چرخش حسابرسان و محافظه‌کاری یک رابطه مثبت معنادار یافتند.

سیانگ و همکاران (۲۰۱۵)، با بررسی نمونه‌ای از مشاهدات در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها با محافظه‌کاری مشروط می‌توانند هزینه‌های حسابرسانی خود را کاهش دهند.

کراوت (۲۰۱۴) نشان داد که محافظه‌کاری در حسابداری، انگیزه مدیران را برای انجام سرمایه‌گذاری‌های پر ریسک کاهش می‌دهد. او دریافت مدیرانی که محافظه‌کاری حسابداری بالاتری را اعمال می‌کنند، سرمایه‌گذاری‌های کم ریسک‌تری را انجام می‌دهند.

گاریسیالارا و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اما باعث افزایش مدیریت سود واقعی می‌شود. آن‌ها استدلال کردند که محافظه‌کاری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی را محدود می‌کند و مدیران از بابت مناسب جلوه دادن شرایط شرکت به مدیریت سود واقعی روی می‌آورد.

ای‌آتریدیس (۲۰۱۱) نشان می‌دهد شرکت‌هایی که کیفیت افشای بالاتری دارند، مدیریت سود کمی دارند و همچنین این شرکت‌ها محافظه‌کاری شرطی بالاتر و محافظه‌کاری غیرشرطی پایین‌تری را نشان می‌دهند.

لافوند واتس (۲۰۰۸) نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری را مورد بررسی قرار دادند. آزمون‌های آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری، انگیزه‌ها و توانایی مدیران را در دست‌کاری ارقام حسابداری کاهش می‌دهد و بنابراین می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد.

محمودی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین محافظه‌کاری باکیفیت سود را بررسی نمودند. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که بین محافظه‌کاری باکیفیت سود رابطه منفی معنادار وجود دارد و اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه‌تر، کیفیت سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.

انصاری و همکاران (۱۳۹۲) وجود یک رابطه منفی معنی‌دار بین محافظه‌کاری و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و یک رابطه مثبت معنی‌دار بین محافظه‌کاری و مدیریت واقعی سود را اثبات کردند.

خواجهی و همکاران (۱۳۸۹)، تأثیر محافظه‌کاری بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتیجه پژوهش آن‌ها این بود که شرکت‌های با محافظه‌کاری کمتر، سودهای پایدارتری خواهند داشت؛ یعنی میان محافظه‌کاری و پایداری سود رابطه منفی وجود دارد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مبانی نظری تحقیق گردآوری و در تجزیه و تحلیل اطلاعات، برحسب نیاز از مدل‌های رگرسیونی لجستیک و نرم‌افزار R استفاده شده است. نمونه‌گیری به روش حذفی صورت گرفته و شرکت‌ها با توجه به معیارهای زیر انتخاب شده است: الف) قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند؛ ب) دارای فعالیت‌های غیرمالی باشند و جز شرکت‌های واسطه‌گر مالی نباشند؛ پ) پایان سال مالی آن‌ها منتهی به اسفندماه باشد؛ ج) در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند؛ د) شرکت‌های نمونه باید صورت‌های مالی را برای سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به صورت کامل ارائه کرده باشند. با توجه به معیارهای فوق، ۸۷ شرکت جهت بررسی در این پژوهش انتخاب گردید.

#### ۱.۴. متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

**متغیر وابسته:** در این پژوهش اظهار نظر حسابرس متغیر وابسته پژوهش می‌باشد که از گزارش حسابرس استخراج شده است. برای سنجش این متغیر یک متغیر مصنوعی در نظر گرفته شد که اگر اظهار نظر حسابرس تعدیل شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر لحاظ شود.

**متغیرهای مستقل:** در این پژوهش متغیرهای محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی متغیرهای مستقل پژوهش هستند؛ که برای سنجش هر یک از آن‌ها از دو معیار استفاده شده است.

**محافظه‌کاری شرطی:** برای محافظه‌کاری شرطی از دو مدل خان و واتس (۲۰۰۹) و مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) استفاده شده است:

مدل خان و واتس (۲۰۰۹) محافظه‌کاری را بر اساس مدل عدم تقارن زمانی سود باسو (۱۹۹۷) تخمین می‌زند. مبنای این مدل محافظه‌کاری، معیار عدم تقارن زمانی سود مدل باسو (۱۹۹۷) به صورت رابطه زیر است:

$$NI_{jt} = \beta_1 + \beta_2 D_{jt} + \beta_3 RET_{jt} + \beta_4 D_{jt} * RET_{jt} + \varepsilon$$

$NI_{jt}$ : سود عملیاتی پس از کسر هزینه‌های مالی تقسیم‌بر ارزش بازار سرمایه شرکت در پایان سال t-1.

$D_{jt}$ : متغیر مجازی. اگر  $RET_{jt} < 0$  باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.  $RET_{jt}$ : بازده سهام شرکت  $i$  طی سال  $t$ ، بازده سهام برابر است با تفاوت قیمت هر سهم در ابتدای دوره به علاوه تعدیلات ناشی از عایدات سهام (شامل سود تقسیمی) تقسیم‌بر قیمت سهام در ابتدای دوره.

$\beta_3$ : معیار به هنگام بودن اخبار خوب.

$\beta_4$ : معیار به هنگام بودن تفاضلی اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری).

$\varepsilon$ : باقیمانده یا پسماند مدل.

خان و واتس (۲۰۰۹)، بیان نمودند که به‌موقع بودن عایدات برای اخبار خوب ( $\beta_3$ ) و محافظه‌کاری ( $\beta_4$ ) توابع خطی از ویژگی‌های خاص شرکت بوده، به صورت G-Score و C-Score بر مبنای روابط زیر با تابع خطی ویژگی‌های شرکت محاسبه می‌شوند:

$$G\text{-Score}_{jt} = \beta_3 = \mu_1 + \mu_2 MV_{jt} + \mu_3 MTB_{jt} + \mu_4 LEV_{jt}$$

$$C\text{-Score}_{jt} = \beta_4 = \lambda_1 + \lambda_2 MV_{jt} + \lambda_3 MTB_{jt} + \lambda_4 LEV_{jt}$$

G-Score<sub>jt</sub>: معیار به‌موقع بودن اخبار خوب.

C-Score<sub>jt</sub>: معیار به‌موقع بودن تفاضلی اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری).

$MV_{jt}$ : لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ .

$MTB_{jt}$ : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ .

$LEV_{jt}$ : نسبت بدهی به دارایی‌های شرکت  $i$  در پایان سال  $t$ .

خان و واتس (۲۰۰۹) از طریق جاگذاری  $\beta_3$  و  $\beta_4$  با معادلات G-Score و C-Score در رابطه اول مدل رگرسیونی زیر را برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی ارائه دادند:

$$NI_{jt} = \beta_1 + \beta_2 D_{jt} + (\mu_1 + \mu_2 MV_{jt} + \mu_3 MTB_{jt} + \mu_4 LEV_{jt}) RET_{jt} + (\lambda_1 + \lambda_2 MV_{jt} + \lambda_3 MTB_{jt} + \lambda_4 LEV_{jt}) D_{jt} * RET_{jt} + \delta_1 MV_{jt} + \delta_2 MTB_{jt} + \delta_3 LEV_{jt} + \delta_4 D_{jt} * MV_{jt} + \delta_5 D_{jt} * MTB_{jt} + \delta_6 D_{jt} * LEV_{jt} + \varepsilon$$

سپس با استفاده از تخمین‌های انجام‌شده در مدل رگرسیون مقطعی سالانه بالا و استخراج ضرایب مورد نیاز، محافظه‌کاری شرطی (C-Score) برای هر سال شرکت محاسبه می‌گردد.

شاخص دوم محافظه‌کاری شرطی در این تحقیق مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) با الهام از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) است، در این شاخص بر ارقام تعهدی تأکید شده و بیشتر رویکرد سود و زیانی دارد و بیانگر محافظه‌کاری شرطی است.

$$(-1) \times \frac{\text{جریان نقد عملیاتی} - \text{سود خالص}}{\text{جمع دارایی‌ها}} = \text{شاخص محافظه‌کاری شرطی}$$

**محافظه‌کاری غیر شرطی:** برای محافظه‌کاری غیر شرطی از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و همچنین مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) استفاده شد: شاخص اول که مبتنی بر ارقام تعهدی گیولی و هاین (۲۰۰۰) است که این شاخص از رابطه زیر به دست می‌آید (جهت همگن‌سازی داده‌ها از تقسیم مقدار شاخص بر مجموع دارایی‌ها استفاده شد):

$$\text{Unconditional Con} = (-1) * ((\text{NI}_{it} + \text{DEP}_{it}) - \text{CFO}_{it})$$

Unconditional Con: محافظه‌کاری غیر شرطی

NI<sub>it</sub>: سود عملیاتی

DEP<sub>it</sub>: هزینه استهلاک

CFO<sub>it</sub>: وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی

در مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تأکید شده و بیشتر رویکرد ترازنامه‌ای دارد.

$$(-1) \times \frac{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}} = \text{شاخص محافظه‌کاری غیر شرطی}$$

### متغیرهای کنترلی

در این پژوهش متغیرهای اندازه شرکت، پیچیدگی شرکت مورد رسیدگی از نظر حسابداری، اهرم مالی، اندازه مؤسسه حسابداری، حسابداری نخستین و تخصص صنعت حسابداری کنترل گردیده است.

**پیچیدگی شرکت:** واحدهای تجاری با حساب‌های دریافتی و موجودی کالای بالا محیط عملیاتی پیچیده‌تری دارند، که این مسئله ریسک کسب‌وکار بیشتری را موجب می‌شود. سیمون و فرانسیس (۱۹۸۸) رابطه مثبت معناداری بین حساب‌های دریافتی و موجودی بالا و متغیر پیچیدگی دریافتی در یافتند.



در این مطالعه نیز جهت کنترل پیچیدگی حسابرسی لگاریتم طبیعی مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی کالای شرکت به عنوان متغیر کنترلی در مدل تحقیق لحاظ شد.

**اهرم مالی:** اهرم به طور عمده ریسک مالی صاحب کار را اندازه‌گیری می‌کند. تحقیقات گذشته نشان می‌دهند که حسابرسان هنگام حسابرسی صاحب کار با مشکلات مالی، باید تلاش بیشتری را برای جلوگیری از ریسک دادخواهی علیه خود انجام دهند (جانستون، ۲۰۰۰)؛ بنابراین در این مطالعه نسبت بدهی به دارایی‌ها به منظور کنترل کردن اهرم مالی واحد صاحب کار استفاده گردید.

**اندازه مؤسسه حسابرسی:** در سال‌های اخیر جامعه حسابداران رسمی ایران به منظور کنترل کیفیت مناسب‌تر اقدام به رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نمود. چرا که به منظور تحقق هدف کنترل کیفیت، شرکت‌های بزرگ باید توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی شوند. از این بابت بر اساس امتیاز کنترل کیفی، مؤسسات در چهار رتبه الف تا ج قرار گرفتند. در این پژوهش نیز به منظور کنترل اثر اندازه مؤسسه حسابرسی یک متغیر مصنوعی تعریف شد که اگر حسابرس جز مؤسسات رتبه الف باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ به این متغیر اختصاص داده شود.

**حسابرسی نخستین:** ممکن است حسابرس برای پذیرش کار حسابرسی واحد صاحب کار و یا تداوم همکاری با صاحب کار اظهار نظر تعدیل نشده اظهار نماید که در این تحقیق برای کنترل این متغیر یک متغیر مجازی در مدل لحاظ شده است. بدین صورت که اگر حسابرسی صاحب کار به عنوان حسابرسی نخستین حسابرس باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شود.

**تخصص صنعت حسابرس:** با توجه به این که تخصص صنعت حسابرس بر اظهار نظر حرفه‌ای وی مؤثر خواهد بود این متغیر کنترل گردید. جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص در صنعت حسابرس با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی مؤسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی روبروست، لذا از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی استفاده شد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). هر چه سهم بازار مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه‌ی آن نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار مؤسسه حسابرسی به این صورت محاسبه می‌شود: مجموع دارایی‌های تمام صاحب کاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحب کاران در این صنعت (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸). مؤسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان در رابطه زیر برقرار باشد:

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_k} \times 1,2$$

$MS_{ik}$ : سهم بازار مؤسسه حسابداری  $i$  ام در صنعت  $k$  ام،  
 $N_k$ : تعداد شرکت‌های موجود در صنعت  $k$  ام است.  
 در نهایت اگر مؤسسه حسابداری متخصص صنعت باشد برای این متغیر عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ خواهد شد.

#### ۲.۴. مدل‌های پژوهش

مدل رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه اول:

$$QO_{ij} = \alpha + \beta_1 \text{Conditional Con}_{ij} + \beta_2 \text{LNINVAR}_{ij} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{ij} + \beta_4 \text{BIG}_{ij} + \beta_5 \text{NEW}_{ij} + \beta_6 \text{SPEC}_{ij} + \varepsilon$$

$QO_{ij}$ : اظهار نظر حسابرس اگر تعدیل شده باشد ۱ و در غیر این صورت ۰ برای شرکت  $j$  در سال  $t$

$\text{Conditional Con}_{ij}$ : محافظه‌کاری شرطی برای شرکت  $j$  در سال  $t$

$\text{LNINVAR}_{ij}$ : پیچیدگی کار حسابداری واحد صاحبه کار برابر لگاریتم طبیعی مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی شرکت  $j$  در سال  $t$

$\text{LEVERAGE}_{ij}$ : اهرم مالی شرکت  $j$  در سال  $t$  و برابر نسبت بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت

$\text{BIG}_{ij}$ : اگر مؤسسه حسابداری شرکت  $j$  در سال  $t$  جز رتبه الف باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر

$\text{NEW}_{ij}$ : در صورتی که حسابداری، به عنوان حسابداری نخستین باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر

$\text{SPEC}_{ij}$ : اگر حسابرس متخصص صنعت باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.  
 با توجه به این که برای سنجش شاخص محافظه‌کاری شرطی از دو معیار خان و واتس (۲۰۰۹) و احمد و دولمان (۲۰۰۷) استفاده شده است. مدل بالا برای هر یک از شاخص‌ها به صورت جداگانه برآزش خواهد شد.

مدل رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه دوم:

$$QO_{ij} = \alpha + \beta_1 \text{Unconditional Con}_{ij} + \beta_2 \text{LNINVAR}_{ij} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{ij} + \beta_4 \text{BIG}_{ij} + \beta_5 \text{NEW}_{ij} + \beta_6 \text{SPEC}_{ij} + \varepsilon$$

$\text{Unconditional Con}_{ij}$ : محافظه‌کاری غیرشرطی برای شرکت  $j$  در سال  $t$

با توجه به این که برای سنجش شاخص محافظه کاری شرطی از دو معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) و احمد و دولمان (۲۰۰۷) استفاده شده است. مدل بالا برای هر یک از شاخص ها به صورت جداگانه برازش خواهد شد.

### ۵. فرضیه های پژوهش

**فرضیه اول:** بین محافظه کاری شرطی و اظهار نظر تعدیل نشده حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بین محافظه کاری غیرشرطی و اظهار نظر تعدیل نشده حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.

### ۶. نتایج پژوهش

قبل از بررسی فرضیه های تحقیق به توصیف متغیرهای تحقیق بر اساس اطلاعات به دست آمده با استفاده از تکنیک های آمار توصیفی به شرح ذیل پرداخته می شود.

جدول ۱: آماره های توصیفی برای متغیرهای کمی تحقیق

متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
محافظه کاری شرطی (معیار خان و واتس (۲۰۰۹))	۵۲۲	-۴,۰۱۶۸	۲,۰۴۵۱	۰,۱۱۱۲	۰,۳۴۱۶
محافظه کاری شرطی (معیار احمد و دولمان (۲۰۰۷))	۵۲۲	-۰,۸۴۶۲	۰,۵۸۱۴	۰,۰۰۳۳	۰,۱۴۰۲
محافظه کاری غیرشرطی (معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰))	۵۲۲	-۰,۵۳۰۹۸	۰,۵۵۲۳۲	-۰,۰۵۷۵۰	۰,۱۲۴۳۱
محافظه کاری غیرشرطی (معیار احمد و دولمان (۲۰۰۷))	۵۲۲	-۳,۵۲۸۱	۱,۸۱۷۰	-۰,۶۱۷۵	۰,۵۰۴۰
لگاریتم طبیعی پیچیدگی شرکت	۵۲۲	۸,۲۹۵۳	۱۷,۱۵۲	۱۲,۶۸۷۷	۱,۳۲۷۵
اهرم مالی	۵۲۲	۰,۰۶۵۸	۱,۵۶۵۶	۰,۵۹۸۹	۰,۲۰۷۸

در جدول ۱ واحد متغیر محافظه کاری غیرشرطی معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) میلیون ریال و سایر متغیرهای محافظه کاری و متغیر اهرم مالی نسبت هستند. همچنین متغیر پیچیدگی شرکت به صورت لگاریتم طبیعی ارائه شده است.

در این پژوهش علاوه بر آمار توصیفی متغیرهای کمی، سه متغیر اندازه حسابرس، حسابرسی نخستین و تخصص صنعت حسابرس به صورت کیفی (اسمی) تعریف شده‌اند و دارای مقیاس اسمی می‌باشند که آمار توصیفی آن‌ها به کمک جدول فراوانی و نمودار تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۲: جدول فراوانی برای متغیرهای کمی تحقیق

متغیر	وضعیت متغیر	۰ یا ۱	فراوانی	درصد
اظهار نظر حسابرس	اظهار نظر حسابرس تعدیل شده باشد	۱	۲۷۵	۵۳٪
	اظهار نظر حسابرس تعدیل نشده باشد	۰	۲۴۷	۴۷٪
اندازه حسابرس	شرکت‌هایی که توسط مؤسسات رتبه الف، حسابرسی شده‌اند	۱	۳۵۶	۶۸٪
	شرکت‌هایی که توسط مؤسسات رتبه الف، حسابرسی نشده‌اند	۰	۱۵۶	۳۲٪
حسابرسی نخستین	حسابرس نسبت به سال قبل تغییر کرده است	۱	۱۲۹	۲۵٪
	حسابرس نسبت به سال قبل تغییر نکرده است	۰	۳۹۳	۷۵٪
تخصص صنعت حسابرس	حسابرس متخصص صنعت بوده است	۱	۱۹۷	۳۸٪
	حسابرس متخصص صنعت نبوده است	۰	۳۲۳	۶۲٪

نتایج جدول ۲ بیانگر آن است که مؤسسات رتبه الف، حسابرسی ۳۵۶ مورد از مشاهدات این پژوهش را بر عهده داشته‌اند. فراوانی تغییر حسابرس نسبت به سال قبل ۱۲۹ مورد بوده و در واقع حسابرسی در ۲۵٪ مشاهدات، به عنوان حسابرسی نخستین در نظر گرفته شده است. همچنین در ۱۹۷ سال - شرکت حسابرسی توسط حسابرس متخصص صنعت انجام شده است.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و به منظور تخمین مناسب‌ترین مدل در داده‌های ترکیبی در رگرسیون لجستیک، می‌توان ارجح بودن استفاده از مدل رگرسیون لجستیک ساده، رگرسیون لجستیک ساده با عامل زمان، روش لجستیک پانلی اثرات تصادفی، روش لجستیک پانلی داده‌های ادغام‌شده با استفاده معیار آکاییک آزمود و ارجح‌ترین مدل را انتخاب کرد. از آنجایی که هنگام افزایش ضریب تعیین، معیار بهبود می‌یابد (کاهش می‌یابد)؛ بنابراین، کمتر بودن معیار آکاییک نشان‌دهنده بهتر بودن برازش مدل می‌باشد. به همین منظور در جدول زیر، برای هر فرضیه مدل مناسب با انتخاب کمترین ضریب آکاییک مشخص شده است.

جدول ۳: ضریب آکاییک مدل‌ها

مدل	رگرسیون لجستیک ساده	رگرسیون لجستیک ساده با عامل زمان	رگرسیون لجستیک پانلی با اثرات تصادفی	رگرسیون لجستیک با داده‌های ادغام‌شده
مدل اول (معیار خان و واتس، ۲۰۰۹)	۷۴۵/۰۳۰	۷۵۰/۲۵۶	۵۰۹/۷۸۴	۷۰۵/۳۹۸
مدل اول (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷)	۷۴۹/۴۴۱	۷۵۳/۹۹۷	۵۱۱/۲۷۹	۷۱۳/۲۵۶
مدل دوم (معیار گیولی و هاین، ۲۰۰۰)	۷۳۴/۹۱۱	۷۳۷/۹۷۳	۵۱۰/۰۹۸	۶۹۸/۲۷۹
مدل دوم (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷)	۷۳۸/۶۴۹	۷۴۵/۶۴۲	۵۰۷/۴۳۵	۷۰۲/۵۵۱

با توجه به نتایج جدول ۳ و ضریب آکاییک مدل‌ها، می‌توان گفت که روش رگرسیون لجستیک پانلی با اثرات تصادفی ارجح‌تر از سایر روش‌هاست؛ بنابراین از خروجی مدل پانلی با اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

### آزمون فرضیه اول (معیار خان و واتس، ۲۰۰۹)

جدول ۴ نتایج خروجی مدل (معیار خان و واتس، ۲۰۰۹) را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج برآورد پارامترهای مدل و آزمون معناداری فرضیه اول (معیار خان و واتس)

شاخص	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون تی	p-مقدار
عرض از مبدأ	$\beta_0$	-۰/۳۵۶۷	۱/۸۷۶۵	-۰/۱۹۰۱	۰/۸۴۹۲
محافظه‌کاری شرطی (معیار خان و واتس (۲۰۰۹))	Conditional Con	-۰/۷۷۸۵	۰/۵۶۴۵	-۱/۳۷۹۱	۰/۱۶۷۸
پیچیدگی کار حسابرسی	LNINVAR	-۰/۱۲۹۳	۰/۱۴۱۳	-۰/۹۱۴۸	۰/۳۶۰۲
اهرم مالی	LEVERAGE	۲/۷۹۹۲	۰/۸۰۸۵	۳/۴۶۲۱	*** < ۰/۰۰۱
اندازه حسابرسی	BIG	-۰/۰۵۷۲	۰/۲۵۱۲	-۰/۲۲۷۸	۰/۸۱۹۸
حسابرسی نخستین	NEW	۰/۳۰۱۸	۰/۱۹۴۵	۱/۵۵۱۶	۰/۱۲۰۷
تخصص صنعت حسابرسی	SPEC	-۰/۰۶۳۵	۰/۲۶۷۲	-۰/۲۳۸۰	۰/۸۱۱۹
متغیر وابسته پژوهش	نوع اظهار نظر حسابرسی (QO)				
لگاریتم درستنمایی (log likelihood)	-۲۴۶٫۸۹۲۲				

\*\*\* معنی‌داری در سطح خطای ۰/۱٪، \*\* معنی‌داری در سطح خطای ۰/۱٪، \* معنی‌داری در سطح خطای ۰/۵٪

با توجه به نتایج به دست آمده، ضریب معنی‌داری متغیر محافظه‌کاری شرطی بیشتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین در سطح خطای ۵ درصد رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی (معیار خان و واتس، ۲۰۰۹) و نوع اظهار نظر حسابرس مشاهده نمی‌شود.

### آزمون فرضیه اول (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷)

جدول ۵ نتایج به دست آمده از برآزش مدل (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج برآورد پارامترهای مدل و آزمون معناداری فرضیه اول (معیار احمد و دولمان)

شاخص	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون تی	p-مقدار
عرض از مبدأ	$\beta_0$	۰/۰۹۵۹	۲/۷۸۰۷	۰/۰۳۴۵	۰/۹۷۲۴
محافظه‌کاری شرطی (معیار احمد و دولمان (۲۰۰۷))	Conditional Con	۰/۲۵۹۶	۰/۸۱۷۱	۰/۳۱۷۸	۰/۷۵۰۶
پیچیدگی کار حسابرسی	LNINVAR	-۰/۱۲۹۵	۰/۲۲۰۷	-۰/۵۸۶۹	۰/۵۵۷۲
اهرم مالی	LEVERAGE	۳/۱۰۴۱	۰/۸۴۵۷	۳/۶۷۰۴	*** < ۰/۰۰۱
اندازه حسابرس	BIG	-۰/۰۳۷۶	۰/۲۴۶۵	-۰/۱۵۲۸	۰/۸۷۸۵
حسابرسی نخستین	NEW	۰/۳۰۸۱	۰/۱۹۴۱	۱/۵۸۶۹	۰/۱۱۲۵
تخصص صنعت حسابرس	SPEC	-۰/۰۶۶۱	۰/۲۶۲۰	-۰/۲۵۲۴	۰/۸۰۰۷
متغیر وابسته پژوهش	نوع اظهار نظر حسابرس (QO)				
لگاریتم درستنمایی (log likelihood)	-۲۴۷٫۶۳۹۸				

\*\*\* معنی‌داری در سطح خطای ۰/۱٪، \*\* معنی‌داری در سطح خطای ۱٪، \* معنی‌داری در سطح خطای ۵٪

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۵، ضریب معنی‌داری متغیر محافظه‌کاری شرطی بیشتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین در سطح خطای ۵ درصد رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) و نوع اظهار نظر حسابرس مشاهده نمی‌شود. در نهایت با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ می‌توان اظهار داشت که رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی (با استفاده از هر دو معیار خان و واتس ۲۰۰۹ و احمد و دولمان ۲۰۰۷) و نوع اظهار نظر حسابرس وجود ندارد و بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد پذیرش قرار نگرفت.

### آزمون فرضیه دوم (گیولی و هاین، ۲۰۰۰)

جدول ۶ نتایج خروجی مدل (معیار گیولی و هاین، ۲۰۰۰) را نشان می‌دهد.

از آنجایی که ضریب معنی داری متغیر محافظه کاری غیرشرطی از ۵ درصد بیشتر است؛ بنابراین با استفاده از معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) رابطه معنی داری بین محافظه کاری شرطی و نوع اظهار نظر حسابرسی مشاهده نمی شود.

جدول ۶: نتایج برآورد پارامترهای مدل و آزمون معناداری فرضیه دوم (معیار گیولی و هاین)

شاخص	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون تی	p-مقدار
عرض از مبدأ	$\beta_0$	-۰/۱۵۶۳	۱/۷۵۲۶	-۰/۰۸۹۲	۰/۹۲۸۹
محافظه کاری غیرشرطی (معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰))	Unconditional Con	-۰/۹۸۱۷	۰/۸۵۶۱	۱/۱۴۶۷	۰/۲۵۱۵
پیچیدگی کار حسابرسی	LNINVAR	-۰/۱۰۲۷	۰/۱۴۰۵	-۰/۷۳۱۳	۰/۴۶۴۵
اهرم مالی	LEVERAGE	۳/۰۱۱۸	۰/۸۱۳۱	۳/۷۰۸۵	*** < ۰/۰۰۱
اندازه حسابرسی	BIG	-۰/۰۳۴۹	۰/۲۴۵۰	-۰/۱۴۲۷	۰/۸۸۶۵
حسابرسی نخستین	NEW	-۰/۳۱۳۲	۰/۱۹۴۳	۱/۶۱۲۰	۰/۱۰۶۹
تخصص صنعت حسابرسی	SPEC	-۰/۰۵۷۱	۰/۲۵۸۹	-۰/۲۲۰۷	۰/۸۲۵۳
متغیر وابسته پژوهش		نوع اظهار نظر حسابرسی (QO)			
لگاریتم درستنمایی (log likelihood)		-۳۴۷,۰۴۹۱			

\*\*\* معنی داری در سطح خطای ۰/۱٪، \*\* معنی داری در سطح خطای ۱٪، \* معنی داری در سطح خطای ۵٪

### آزمون فرضیه دوم (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷)

نتایج حاصل از برآورد مدل (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج برآورد پارامترهای مدل و آزمون معناداری فرضیه دوم (معیار احمد و دولمان)

شاخص	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون تی	p-مقدار
عرض از مبدأ	$\beta_0$	-۰/۷۴۳۷	۱/۷۱۰۶	-۰/۴۳۴۸	۰/۶۶۳
محافظه کاری غیرشرطی (معیار احمد و دولمان (۲۰۰۷))	Unconditional Con	-۰/۵۰۲۴	۰/۲۴۸۷	-۲/۰۱۹۸	* ۰/۰۴۳۴
پیچیدگی کار حسابرسی	LNINVAR	-۰/۰۹۸۱	۰/۱۳۱۱	-۰/۷۴۸۵	۰/۴۵۴۲
اهرم مالی	LEVERAGE	۳/۳۸۵۶	۰/۷۹۶۴	۴/۲۵۰۹	*** < ۰/۰۰۱
اندازه حسابرسی	BIG	-۰/۱۰۳۸	۰/۲۴۹۳	-۰/۴۱۶۳	۰/۶۷۷۲
حسابرسی نخستین	NEW	۰/۲۸۶۵	۰/۱۹۵۸	۱/۴۶۲۸	۰/۱۴۳۵
تخصص صنعت حسابرسی	SPEC	-۰/۰۱۶۶	۰/۲۶۰۳	-۰/۰۶۴۰	۰/۹۴۹۰
متغیر وابسته پژوهش		نوع اظهار نظر حسابرسی (QO)			
لگاریتم درستنمایی (log likelihood)		-۳۴۵,۷۱۷۶			

\*\*\* معنی داری در سطح خطای ۰/۱٪، \*\* معنی داری در سطح خطای ۱٪، \* معنی داری در سطح خطای ۵٪

با توجه به نتایج به دست آمده و ضریب معنی‌داری متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) که کمتر از ۵ درصد می‌باشد می‌توان اظهار داشت، در سطح خطای ۵ درصد رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری غیرشرطی (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) و نوع اظهار نظر حسابرس مشاهده می‌شود. به این معنی که با افزایش محافظه‌کاری غیرشرطی احتمال تعدیل اظهار نظر حسابرس کاهش می‌یابد و فرضیه دوم پژوهش (معیار احمد و دولمان، ۲۰۰۷) رد نمی‌شود.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با اظهار نظر حسابرس است. خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین متغیر محافظه‌کاری شرطی با هر دو معیار خان و واتس (۲۰۰۹) و احمد و دولمان (۲۰۰۷) و اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه اول این پژوهش مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. گرچه پیرامون تاثیر محافظه‌کاری شرطی بر اظهار نظر حسابرس پژوهشی مشاهده نگردید لکن نتایج پژوهش‌هایی همچون سیانگ و همکاران (۲۰۱۵)، کراوت (۲۰۱۴) و گارسیالارا و همکاران (۲۰۱۲) نشان از تاثیر محافظه‌کاری بر سایر مولفه‌های موثر بر اظهار نظر حسابرس همچون هزینه‌های حسابداری، ریسک سرمایه‌گذاری شرکت و مدیریت سود دارد که با یک دید کلی می‌توان گفت مخالف نتایج پژوهش حاضر بوده و دلیل آن را نیز می‌توان اینگونه عنوان نمود که در ایران حسابرسان به سطح محافظه‌کاری شرطی شرکت اهمیتی نمی‌دهند و وجود یا عدم وجود محافظه‌کاری شرطی در اظهار نظر آن‌ها مؤثر نیست و حسابرسان هنگام پذیرش کار حسابداری هیچ توجهی به ریسک دادخواهی احتمالی علیه حسابرسان ندارند، درحالی‌که ممکن است رعایت محافظه‌کاری شرطی باعث کاهش ریسک دادخواهی علیه حسابرسان شوند. از این بابت به انجمن‌های حرفه حسابداری و جامعه حسابداران ایران پیشنهاد می‌شود جهت آگاهی حسابرسان از این عامل جهت اجرای بهتر برنامه‌های حسابداری و پیشنهاد قیمت مناسب، دوره‌های آموزشی برگزار نمایند. بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم یعنی معناداری رابطه محافظه‌کاری غیرشرطی بر اساس معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) و اظهار نظر حسابرس،  $p$ -مقدار بیشتر از ۵ درصد می‌باشد و نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین محافظه‌کاری غیرشرطی بر اساس معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) و اظهار نظر حسابرس است. در واقع بر اساس سنجش محافظه‌کاری غیرشرطی با معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) فرضیه دوم این پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. فرضیه دوم پژوهش بر اساس مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) نیز آزمون گردید، نتایج این آزمون نشان می‌دهد که رابطه منفی معناداری بین محافظه‌کاری غیرشرطی



بر اساس مدل احمد و دولمان (۲۰۰۷) و اظهار نظر حسابرسان وجود دارد و این فرضیه مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ یعنی با کاهش محافظه‌کاری غیرشرطی احتمال تعدیل اظهار نظر توسط حسابرسان افزایش می‌یابد که با دید کلی می‌توان گفت نتایج این فرضیه هم راستا با نتایج پژوهش گارسیالارا و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر کاهش مدیریت سود در ازای محافظه‌کاری بیشتر می‌باشد. نتایج حاصل از برازش مدل‌ها علاوه بر آزمون فرضیه‌ها مشخص نمود که بین اهرم مالی و اظهار نظر حسابرسان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش اهرم مالی احتمال تعدیل اظهار نظر حسابرسان افزایش می‌یابد. در راستای پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده، به محققین پیشنهاد می‌شود رابطه محافظه‌کاری با حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان و رابطه محافظه‌کاری را با ضعف سیستم‌های کنترل داخلی (که بر اساس آیین‌نامه سال ۱۳۹۲ سازمان بورس توسط حسابرسان لازم الاجرا شده است) را بررسی نمایند. محدودیتی که در مراحل پژوهش حاضر وجود داشته است و در تعبیر و تفسیر نتایج حاصل از آن، باید به آن توجه شود، این است که شرایط خاص بازار حسابرسی ایران ممکن است باعث شود که مؤسسات حسابرسی، به دلیل رقابت موجود در بازار حسابرسی برای حفظ بقای خود و یا به خاطر وابستگی‌های مالی ایجادشده مجبور به ارائه اظهار نظر تعدیل نشده شوند که نمی‌توان اثر این متغیر را کنترل کرد.

## منابع

- اعتمادی، ح.، محمدی، ا. و. ناظمی‌اردکانی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص در صنعت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱ (۲-۱)، ۱۷-۳۲.
- انصاری، ع.، دری‌سده، م. و شیرزاد، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *حسابداری مدیریت*، ۶ (۴)، ۶۱-۷۸.
- بدیعی، ح.، محمودی، م. و رضازاده، ر. (۱۳۹۳). تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط بر کیفیت سود با استفاده از مدل باسو، بال و شیواکومار. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۳ (۱۲)، ۳-۲۳-۳۱.
- خواجوی، ش.، ولی‌پور، ه. و عسکری، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۲ (۸)، ۱۱۲-۱۳۰.
- صالحی، م.، صحت، م. و مقدس‌نوقابی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری حسابرسان برای مشتریان و حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت و غیرمتخصص، *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵ (۱۷)، ۱۳۵-۱۴۵.

فروغی، د. و میرزایی، م. (۱۳۹۱). تأثیر محافظه‌کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۲، ۷۷-۱۱۷.

محمودی، م.، آذین‌فر، ک. و تبارقاسم، ف. (۱۳۹۲). تأثیر محافظه‌کاری بر کیفیت سود و قیمت سهام، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز، مؤسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی.

ودیعی، م.، سمائی‌رهنی، س. و چوپانی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی و مقایسه گزارش حسابرس شرکت‌های فعال و لغو پذیرش شده در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، (۶۴) ۱۶، ۱-۲۰.

Ahmed, A. and Duellman, S. (2007). "Evidence on the Role of Accounting Conservatism in Corporate Governance". *Journal of Accounting and Economics*, 43: 411-437.

Al-Thuneibat, A., Khamees, A.B. and Al-Fayoumi, N.A. (2008). "The Effect of Qualified Auditors' Opinions on Share Prices: Evidence From Jordan". *Managerial Auditing Journal*. 23 (1): 84-101.

Ball, R. and Shivakumar, L. (2006). "The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition". *Journal of Accounting Research*, 44 (2): 207-242.

Basu, S. (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 3-37.

Beaver, W. and Ryan S. (2005). "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling". *Review of Accounting Studies*, 10 (2/3): 269-309.

Beaver, W.H. (1993). Conservatism. Working paper, Stanford University (presented at the American Accounting Association Annual Meeting, San Francisco, CA).

Carcello, J.V. and Palmrose, Z.V. (1994). "Auditor Litigation and Modified Reporting on Bankrupt Clients". *Journal of Accounting Research* (Supplement), 32: 1-30.

Cheng, C. and Kung, F. (2016). "The Effects of Mandatory Corporate Social Responsibility Policy on Accounting Conservatism". *Review of Accounting and Finance*, 15 (1): 2-20.

DeFond, M.L., Yeow, L.C. and Zang, Y. (2016). "Client Conservatism and Auditor-Client Contracting". *The Accounting Review*, 91 (1): 69-98.

- Gao, P. (2013). "A Measurement Approach to Conservatism and Earnings Management". *Journal of Accounting and Economics* 55 (2-3): 251-268.
- Garcia Lara, J.M., Garcia Osma, B. and Penalva, F. (2011). "Conditional Conservatism and Cost of Capital". *Review of Accounting Studies*, 16 (2): 247-271.
- Garcia Lara, J., Garcia Osama, B. and Penalva, F. (2012). Accounting conservatism and the limits to earnings management. Working paper, Universidad Carlos III de Madrid.
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000). "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Accounting become more Conservative?" *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320.
- Guay, W. and Verrecchia, R. (2007). Conservative disclosure. Working paper, University of Pennsylvania.
- Gulraze, W. (2014). "Market-to-book Ratio and Conditional Conservatism: Firms' Voluntary Expensing of Employee Stock Options". *Accounting Research Journal*, 27 (2): 124-149.
- Hutton, A.P., Marcus, A.J. and Tehranian, H. (2009). "Opaque Financial Reports, R<sup>2</sup>, and Crash Risk". *Journal of Financial Economics*, 94 (1): 67-86.
- Iatridis, G.E. (2011). "Accounting Disclosures, Accounting Quality and Conditional and Unconditional Conservatism". *International Review of Financial Analysis*, 20 (2): 88-102.
- Johnstone, K.M. (2000). "Client-Acceptance Decisions: Simultaneous Effects of Client Business Risk, Audit Risk, Auditor Business Risk, and Risk Adaptation". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 19 (1): 1-25.
- Kaplan, S. and Williams, D. (2013). "Do going Concern Audit Reports Protect Auditors from Litigation? A Simultaneous Equations Approach". *The Accounting Review*, 88 (1): 199-232.
- Khan, M. and Watts, R.L. (2009). "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3): 132-150.
- Kim, J.-B. and Zhang, L. (2014). "Accounting Conservatism and Stock Price Crash Risk: Firm-level evidence". *Contemporary Accounting Research forthcoming*.
- Kravet, T. (2012). "Accounting Conservatism and Managerial Risk-Taking: Corporate Acquisitions". *Journal of Accounting and Economics*, 57 (2-3): 218-240.

- LaFond, R. and Roychowdhury, S. (2008). "Managerial Ownership and Accounting Conservatism". *Journal of Accounting Research*, 46 (1): 101-135.
- LaFond, R. and Watts, R. (2008). "The Information Role of Conservatism". *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
- Rickett, L.K., Maggina, A. and Alam, P. (2016). "Auditor Tenure and Accounting Conservatism: Evidence from Greece". *Managerial Auditing Journal*, 31 (6-7): 538-565.
- Pae, J., Thornton, D. and Welker, M. (2005). "The Link Between Earnings Conservatism and the Price to Book Ratio". *Contemporary Accounting Research*, 22 (3): 693-717.
- Price, R.A. (2005). Accounting Conservatism and The Asymmetry in The Earnings Response to Current and Lagged Returns. Working paper.
- Ruch, G. and Taylor, G. (2014). "Accounting Conservatism and its Effects on Financial Reporting Quality: A Review of the Literature". (9): 1-45. <http://ssrn.com/abstract=1931732>.
- Seung, L.H., Li, X. and Sami, H. (2015). "Conditional Conservatism and Audit Fees". *Accounting Horizons*, 29 (1): 83-113.
- Simon, D.T. and J.R. Francis. (1988). "The Effects of Auditor Changes on Audit Fees: Tests of Price Cutting and Price Recovery". *The Accounting Review*, 63 (2): 255-269.
- Watts, R.L. and Zimmerman, J.L. (1986). "Positive Accounting Theory. New Jersey: Prentice-Hall. Welker, M. (1995). Disclosure Policy, Information Asymmetry, and Liquidity in Equity Markets". *Contemporary Accounting Research*, 11 (2): 801-827.